

هفتاد و دو مسئله از مسائل عمره مفرده

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی
حاج شیخ یوسف صانعی (مد ظله العالی)

ناشر: انتشارات فقه الثقلین

تدوین: مؤسسه فرهنگی فقه الثقلین

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۸۷

www.saanei.org
www.feqh.org

(مسئله ۱) عمره مفرده مانند حج بر کسی که شرایط وجوب آن از جمله استطاعت مالی را داشته باشد، يك مرتبه در طول عمر واجب می شود. بنابراین، کسی که استطاعت انجام عمره مفرده از وطن خود را دارد و استطاعت حج را ندارد، واجب است عمره مفرده به جا آورد، هر چند از اهالی مکه نباشد.

(مسئله ۲) عمره همچنان که با استطاعت واجب می شود، به وسیله نذر، عهد و قسم و اجیر شدن و مانند اینها نیز واجب می گردد، لیکن آنچه در این موارد واجب است وفای به نذر و عهد و قسم و عمل به اجاره است، و عمره در آنها به حکم قبلی خود از وجوب یا استحباب باقی است.

(مسئله ۳) برای کسی که عمره به جا آورده و از حرم خارج شده، اگر بخواهد دوباره به حرم یا مکه بازگردد در صورتی که از خروجش از مکه يك ماه نگذشته باشد، احرام مجدد واجب نیست، بنابراین، اگر شخصی مثلاً در بیست و نهم رجب عمره مفرده انجام داده و اول یا دوم ماه شعبان به زیارت دوره ای برای عرفات می رود، تجدید احرام واجب نیست، چون از زمان خروجش از مکه يك ماه نگذشته است، ولی اگر يك ماه از خروجش از مکه بگذرد، برای ورود به مکه نیاز به احرام مجدد دارد.

(مسئله ۴) تکرار عمره مفرده مستحب است و بنا بر اقوی، بین دو عمره فاصله معتبر نیست و هر روز می تواند عمره به جا آورد.

(مسئله ۵) در عمره مفرده واجب، نیابت يك نفر از چند نفر جایز نیست، ولی عمره مفرده استحبایی یا طواف استحبایی را می توان به نیابت از چند نفر انجام داد. ولی اگر خودش برای عمره مفرده مستطیع باشد و قبلاً عمره مفرده یا حج تمتع به جا نیاورده باشد، جایز نیست نایب شود و در غیر این صورت، مانعی ندارد.

(مسئله ۶) در نیابت، ممانئه نایب و منوب عنه شرط نیست، بنابراین، مرد می تواند از طرف زن نایب شود و همچنین زن می تواند از طرف مرد نایب شود.

(مسئله ۷) نیابت در عمره مفرده و طواف مستحبی از طرف شخص زنده، جایز است، لیکن به جا آوردن طواف از طرف کسی که در مکه می باشد و عذری از انجام طواف ندارد، جایز نیست.

(مسئله ۸) كودك ممیز که خود محرم شده است، حکم بزرگسالان را دارد و باید مانند آنها شرایط طواف را رعایت نماید، چون خود طواف می کند و اعمال را انجام می دهد، نه آنکه طوافش می دهند و سعیش می برند. بنابراین، در ابتدای طواف و سعی و بین سعی و طواف باید بیدار باشد، اما اگر كودك غیر ممیز باشد، چنانچه در بین طواف یا سعی بخوابد، مانعی ندارد چون او را طواف و سعی می دهند.

(مسئله ۹) طفل غیر ممیز در به جا آوردن اعمال خود تابع نظر مرجع تقلید ولی است، چون ولّیش او را عمره می دهد و کیفیت اعمال كودك غیر ممیز به این صورت است که ولی لباس احرام را به او می پوشاند و نیت می کند که این طفل را برای عمره مفرده محرم می کنم، و اگر می تواند تلبیه را به او تلقین کند و اگر نمی تواند خودش به جای او بگوید. همچنین اگر كودك بتواند راه برود باید او را طواف بدهد و اگر نتواند او را حل می کند و نماز طواف را از طرف او به جا می آورد و مانند طواف او را به سعی می برد و قدری از مو یا ناخن او را به عنوان تقصیر، کوتاه می کند و طواف نساء و نماز آن را نیز مانند بقیه اعمال به جای او انجام می دهد.

(مسئله ۱۰) میقات عمره مفرده برای کسانی که در مکه تصمیم می گیرند عمره به جا آورند، أدنی الحل است، یعنی نزدیک ترین منطقه خارج از حرم به حرم (که تعمیم از همه نزدیکتر است)، ولی کسانی که از شهرهای دور به قصد عمره مفرده حرکت کرده اند، میقات آنان یکی از مواقیع معروفه^۱ است.

(مسئله ۱۱) کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می شوند، نمی توانند بدون احرام از میقات بگذرند و در صورت عبور، واجب است به میقاتی که از آن عبور نموده اند برگردند و از آنجا محرم شوند، مگر آنکه وارد حرم شده باشند و برگشت به میقات مقدور نباشد، که در این صورت کفایت احرام از أدنی الحل خالی از قوت نیست، چون أدنی الحل در عمره مفرده نسبت به عابر از مواقیع، میقاتی است که أمام و جلوی آن محسوب می شود.

(مسئله ۱۲) شاغلین در جدّه، یا کسانی که از راه جدّه می خواهند برای عمره مفرده، به مکه بروند، می توانند از أدنی الحل مُحرم شوند، چون مواقیع معروفه، میقات کسانی است که از آنها عبور می نمایند و همین طور محاذات میقات نیز میقات برای عبور کننده از آن می باشد و چون جدّه میقات

نیست و محاذاتش هم معلوم نیست، بنابراین، احرام از أدنی الحل برای آنها کفایت می کند و لازم نیست تغییر مسیر داده و به جحفه بروند و محرم شوند و نیز می توانند با نذر از همان جدّه محرم شوند.

(مسئله ۱۳) اگر شخصی در عمره مفرده از میقات اول (یعنی میقاتی که از آن عبور می نماید) با علم به اینکه باید از آنجا محرم شود، عصبیاناً و عمدتاً بدون احرام عبور کند، باید برگردد و از همان میقاتی که از آن گذشته و عبور کرده محرم شود و احرامش از میقات دیگر باطل است و حتی برای اینکه بخواهد وارد مکه شود باز هم نمی تواند از میقات دیگر محرم شود، مگر آنکه مضطر به ورود مکه باشد و نتواند به آن میقات برگردد که در این صورت می تواند از أدنی الحل مُحرم گردد و یا با نذر محرم شده و وارد مکه شود، به هر حال کسی که می خواهد عمره مفرده بیاورد، میقاتش اولین میقاتی است که از آن عبور می کند.

(مسئله ۱۴) احرام بستن از داخل مسجد شجره واجب نیست و از خارج مسجد، تا حدودی که جزء ذوالحلیفه محسوب می شود، احرام جایز و صحیح است، بنابراین احرام از بیرون مسجد و خیابانهای مجاور کافی است، لذا شخص جنب یا حائض می تواند در خارج از مسجد محرم شود و لزومی ندارد که صبر کند تا پاک شود و لازم نیست تیمم کند تا داخل مسجد شود، و اگر عصبیاناً وارد مسجد شود و محرم گردد، احرام او باطل است.

(مسئله ۱۵) احرام عمره مفرده (یعنی گفتن تلبیه برای آن) از عبادات است و باید به قصد قربت و با اخلاص انجام گیرد و در نیت احرام لازم نیست که شخص قصد ترك همه محرمات احرام را از اول تا آخر داشته باشد، بلکه کسی که به قصد عمره مفرده تلبیه واجب را بگوید، محرم می شود، چه قصد احرام بکند یا نکند و در نیت نه خطور به قلب لازم است و نه به زبان آوردن، بلکه مانند سایر عبادات، داشتن همان انگیزه الهی و انجام وظیفه دینی، کافی است. ولی چنانچه بخواهد به زبان بیاورد، بعد از پوشیدن لباس احرام بگوید: عمره مفرده به جا می آورم قربةً الى الله، پس از آن تلبیه بگوید.

(مسئله ۱۶) غسل احرام مستحب است و این غسل و تمام اغسال مستحب و واجبه، از وضو کفایت می کند.

(مسئله ۱۷) گره زدن لباس احرام مانعی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که لباسی را که لنگ قرار داده به گردن گره نزنند و قرار دادن سنگ و یا چیز دیگر در لباس احرام و بستن آن با نخ به احرام ضرر نمی رساند، و احوط ترك وصل کردن لباس احرام با سنجاق و سوزن است، لیکن اقوی جواز وصل همه آنها است چون دوخته شده نمی باشد، ولی نباید به نحوی باشد که شبیه لباس دوخته شده محسوب شود.

(مسئله ۱۸) صورت تلبیه بنا بر اصح آن است که بگوید: «لَبَّيْكَ، اَللّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»، و اگر به این مقدار اکتفا کند محرم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که بعد از آن بگوید: «اِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكُ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»؛ و مقدار واجب در تلبیه بیش از يك مرتبه نیست، ولی تکرار آن مستحب است.

(مسئله ۱۹) باید مقدار واجب از تلبیه را صحیح بگوید و اگر کسی از روی عمد تلبیه را صحیح نگوید، مُحرم نشده است و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، صحت عمل او بعید نیست.

(س ۲۰) در عمره مفرده، زنی که در میقات حائض است و می داند که در طول مدت اقامتش در مکه حائض خواهد بود، آیا می تواند تلبیه را بگوید و محرم شود یا خیر؟ و اگر نتواند محرم شود، آیا می تواند بدون احرام وارد مکه شود یا خیر؟

ج — تلبیه را می گوید و محرم می شود و اگر در تمام مدتی که در مکه است، حائض باشد، برای طواف و نماز نایب بگیرد و بعد سعی و تقصیر را خودش به جا آورد و برای طواف نساء و نماز آن مجدداً نایب بگیرد، و بدون احرام نمی تواند وارد مکه گردد.

(مسئله ۲۱) جایز نیست مُحرم به زن خود یا زن اجنبیه از روی شهوت نگاه کند یا دست بزنی یا بیوسد، ولی بدون شهوت جایز است مُحرم بدن زن خود را لمس کند یا مثلاً او را برای سوار شدن یا پیاده شدن در بغل بگیرد یا کمک کند، و در حال احرام دست گرفتن یا بوسیدن مادر و خواهر از محارم که از روی محبت و مهربانی است حکم بوسیدن رَحِم را دارد و مانعی ندارد.

(مسئله ۲۲) استفاده کردن از صابون و بعضی از شامپوهای خوشبو و معطر و خیر دندان که دارای بوی خوش هستند بر مُحرم حرام است، ولی گرفتن جلوی بینی از غبار و دود ماشین و هوای آلوده مانعی ندارد، ولی گرفتن بینی از بوی بد، حرام است لیکن به سرعت حرکت کردن برای فرار از بوی بد، مانعی ندارد.

(مسئله ۲۳) نگاه کردن در آینه برای مرد و زن در حال احرام اگر برای زینت باشد، حرام است، اما نگاه کردن در دوربین عکاسی در حال احرام، اشکال ندارد چون معلوم نیست که به آینه نگاه می کند بلکه اگر معلوم هم باشد، چون به قصد زینت نیست، جایز است.

(مسئله ۲۴) شخص مُحرم نباید در حال احرام بدن خود را روغن مالی کند، هر چند آن روغن بوی خوشی نداشته باشد، ولی اگر از روی اضطرار یا برای معالجه باشد مثل پمادهایی که روی زخها و ترك خوردگیها مالیده می شود، در صورتی که بوی خوش نداشته باشد، مانعی ندارد.

(مسئله ۲۵) جایز نیست بر مُحرم چه مرد باشد یا زن، خون از بدن خود بیرون آورد و مسواک کردن در حال احرام، اگر بداند سبب بیرون آمدن خون از لثه ها می گردد، حرام است و تزریق آمپول در حال احرام، مانعی ندارد، اما اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن شود، حرام است، مگر در مورد حاجت و ضرورت.

(مسئله ۲۶) پوشیدن چیزهای دوخته مثل پیراهن و شلوار بر مرد مُحرم حرام است، اما پوشیدن دمپایی دوخته که تمام روی پا را بپوشاند، و همیان دوخته و فتق بند و کمر بند، بند ساعت و امثال آنها اگر دوخته باشد اشکال ندارد، چون بر این موارد صدق لباس نمی کند.

(مسئله ۲۷) جایز است مُحرم هنگام خوابیدن از لحاف یا روانداز دوخته شده استفاده کند، و بدن خود را با آن بپوشاند، ولی مرد مُحرم سر خود را نباید بپوشاند، و جایز است برای مُحرم در حال احرام از پتوی دوخته شده به صورت روانداز استفاده کند به طوری که مثل پوشیدن نباشد.

(مسئله ۲۸) بر مرد مُحرم حرام است که تمام سر یا قسمتی از سر خود را بپوشاند، اما دست گذاشتن بر روی سر مانعی ندارد و همچنین بر مُحرم جایز است برای استراحت سر خود را روی بالش بگذارد.

(مسئله ۲۹) استفاده از ماسکهایی که جهت جلوگیری از تنفس هوای آلوده به دهان می زنند و بند آن را پشت سر می اندازند از حیث ستر و پوشاندن سر برای مردان، مانعی ندارد، چون با انداختن بند آن به پشت سر، صدق ستر و پوشاندن نمی کند و اما نسبت به جلوگیری از تنفس هوای آلوده در صورتی که جلوگیری از استنشام بوی بد نباشد، مانعی ندارد و اما نسبت به زنان چون موجب پوشیده شدن قسمتی از صورت می شود، مطلقاً حرام است.

(مسئله ۳۰) جایز نیست مرد مُحرم در روز هنگام حرکت و طی مسافت، بالای سر خود سایه قرار دهد ولی در شب، استظلال نیست، بنابراین، جایز است که مُحرم در شب با ماشین سقف دار به مکه برود.

(مسئله ۳۱) بعد از آنکه مُحرم به منزل رسید، ولو در محله های جدید مکه که از مسجداحرام دور هستند، بنا بر احتیاط واجب، نمی تواند در روز برای رفتن به مسجداحرام به ماشینهای سقف دار سوار شود؛ و اگر پیاده روی برای آنها مختصر صدمه ای داشته باشد که معمولاً نیز چنین است و تکیه ماشین بی سقف هم مشکل باشد، به حکم سهولت و نفی حَرَج رفتن با ماشین مسقف، مانعی ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب، يك گوسفند كفاره بدهد، و ناگفته نماند که گوسفند كفاره را می توان بعد از بازگشتن به وطن ذبح نمود.

(مسئله ۳۲) جایز نیست زن در حال احرام، صورت خود یا قسمتی از آن را با نقاب یا با پوشیه بپوشاند، و همچنین نمی تواند صورت خود را با چیزی خشک کند، ولی پوشاندن صورت به وسیله اعضای بدن مانند دستها و پاك کردن عرق صورت با دست، مانعی ندارد، و نیز زن در حال احرام می تواند صورت خود را برای خوابیدن روی زمین یا بالش بگذارد.

(مسئله ۳۳) اگر شخص مُحرم به واسطه بیماری قدرت نداشته باشد که خودش طواف کند، ولو به نحو سواره و تا آخر وقت نیز قدرت پیدا نکند، باید برای طوافش نایب بگیرد.

(مسئله ۳۴) شخص باید طواف را با قصد قربت و برای اطاعت از خداوند به جا آورد و تردید در نیت، موجب بطلان عمل است، و لازم نیست نیت را به زبان بیاورد، بلکه همین که بنا داشته باشد این عمل را به جا آورد و انگیزه اش خدای باشد، کفایت می کند، گرچه به زبان آوردن نیت در اعمال، گفته شده مستحب است؛ ولی لازم است نوع طواف را ولو به طور اجمال، معلوم کند.

(مسئله ۳۵) طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب، شرط صحت است و اگر در اثنای طواف حدث عارض شود، باید طواف را قطع کند و تحصیل طهارت کند، و در هر صورت چه پیش از تمام شدن دور چهارم و چه بعد از گذشتن از نصف اگر طواف را از سر بگیرد، مجزی است و راحت تر هم می باشد.

(مسئله ۳۶) زن می تواند برای پیشگیری از عادت ماهانه در ایام عمره از دارو استفاده نماید، و در صورت قطع حیض حکم پاك بودن طبیعی را دارد، و طواف و نماز طواف برای زن در مستحاضه کثیره هر کدام مستقل است و برای هر يك، غسل لازم است، مگر آنکه از وقت غسل کردن برای طواف تا آخر نماز، خون قطع شود.

(مسئله ۳۷) مرد مُحرم و همچنین بچه نابالغ (چه ممیز و چه غیر ممیز) در طواف واجب یا مستحب باید مختون (ختنه شده) باشد، و این شرط در زنها نیست، ولی اگر بچه ای ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف او صحیح است.

(مسئله ۳۸) طواف کردن باید به نحو متعارف باشد و در تمام اشواط، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود یعنی نباید از حجرالاسود که شروع می کند به طرف رکن یمانی دور بزند، بلکه باید از حجرالاسود شروع کند و به طرف رکن عراقی و بعد رکن شامی و بعد رکن یمانی برود و دور بزند، و زیادت از آن لازم نیست، بلکه اگر موقع دور زدن مثلاً رو به کعبه هم باشد، اشکال ندارد.

(مسئله ۳۹) واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده به طرف جلو باشد، بلکه جایز است به سمت راست یا چپ نگاه کند و یا صورت خود را برگرداند، بلکه به عقب نگاه کند، کما اینکه می تواند رو به روی کعبه شود و دور بزند، همچنین می تواند طواف را رها کند و کعبه را ببوسد و برگردد از همان جا طوافش را ادامه دهد؛ آری، نباید عمداً پشت به کعبه طواف نماید، و اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان و کثرت جمعیت روی طواف کننده به کعبه واقع شود و یا عقب عقب طواف کند یا پشتش بدون قصد و یا بدون صدق اهانت به کعبه واقع شود، طوافش صحیح است.

(مسئله ۴۰) احتیاط واجب آن است که مُحرم، مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند، و خواندن مثل دو رکعت نماز مستحبی که جزء حاجات نمی باشد مضرّ به صحت طواف است و جایز نبوده، چون بر خلاف سنت طواف می باشد.

(مسئله ۴۱) دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل (علیه السلام) در حال طواف، جایز است و به طواف ضرر نمی رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترك آن است.

(مسئله ۴۲) به نظر این جانب طواف باید دور کعبه و در مسجد الحرام باشد و لازم نیست که بین کعبه و مقام ابراهیم (علیه السلام) باشد، پس حد طواف مسجدالحرام است، گرچه پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) باشد.

(مسئله ۴۳) قطع کردن طواف مستحبی، هر چند بدون عذر باشد، جایز است، اما در طواف واجب، احتیاط واجب در عدم قطع بدون عذر می باشد، ولی اگر قطع نمود و طواف را از سرگرفت مجزی است، و به طور کلی هرکجا و در هر شرایطی، چه قبل از نصف و چه بعد از آن، که بخوهد طواف ناقص یا مشكوك را از سر بگیرد، مانعی ندارد و مجزی است و صحیح می باشد، چون حکم به اتمام و عدم قطع در مواردی که وارد شده، حکم ترخیصی و ارفاقی می باشد نه حکم وجوبی.

(س ۴۴) طواف نمودن در طبقه دوم و سوم چه حکمی دارد؟

ج — ظاهراً طواف در طبقه فوقانی مسجدالحرام که طواف فضا و هوای متعلق به بیت باشد، همانند طواف در طبقه پایینی و صحن مسجدالحرام مجزی و صحیح می باشد. چون اسامی و نامهایی همانند مسجد و بیت و مدرسه و رباط، اسامی و اعلامی برای مجموعه ای از ساختمان و فضا و هوای متعلق به آنها است و محکوم به احکام آنها می باشند. بناءً علی هذا، فضای محاذی با بیت الله الحرام و البيت العتیق همانند دیوارها و جدارها و ارکان آن، جزء بیت الله است و همان گونه که طواف به دور آنها طواف بیت الله است، پس طواف فضای متعلق به بیت الله در بالا هم طواف بیت الله و مجزی است، و ادعای اینکه بیت الله و یا غیر آن از اسامی و اعلام همانندش مثل مسجد و مدرسه نام ساختمان و بنا است، نه اعم از آن و فضای محاذی متعلق به آنها، ظاهراً ناقص می باشد که سیدنا الاستاذ الامام الخمینی «سلام الله علیه» مفصلاً از آن در اصول^۲ بحث نموده و همان معنای اعم و قدر جامع را پذیرا شده که مطابق با تحقیق می باشد و بنا بر این مبنا است که تمام احکام مسجدالحرام و مسجدالنبی بر آن دو مسجد فعلی با همه توسعه آنها جاری می باشد و ناگفته نماند که این نظریه یعنی وضع اسامی بر قدر جامع و اعم که در اول پاسخ به آن اشاره شده به نظر فقیه بزرگوار کاشف الغطاء (قدس سره) تأیید می شود که آن فقیه کم نظیر اگر نگوییم بی نظیر در کشف الغطاء خود در بحث مواقیت فرموده: «الاول: فی ان المواقیت بأسرها عبارة عما يتساوى الاسماء من تخوم الارض الى عنان السماء فلو احرّم من بئر او سطح فيها - راکباً او ماشياً او مضطجعا - فی جميع الاحوال - فلا بأس به»^۳، و به نظر می رسد که اگر آن فقیه بزرگوار راجع به طواف هم بحث نموده و متعرض آن شده بود، قطعاً طواف در طبقات فوقانی را نیز مجزی می دانست.

(مسئله ۴۵) بنا بر احتیاط واجب باید نماز طواف را فوراً و بدون تأخیر پس از طواف بخواند و بین طواف و نمازش فاصله نیندازد و میزان، مبادرت عرفیه است و نماز طواف واجب را باید پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) به جا آورد، به نحوی که مقام در جلوی شخص قرار گیرد (نه محاذی سمت راست یا چپ آن) و پشت مقام، حدّ معینی ندارد و میزان در پشت مقام بودن صدق عرفی است، ولی هرچه نزدیکتر باشد، بهتر و احوط است.

۲. تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۵۶ (بحث صحیح و اعم، امر رابع).

۳. کشف الغطاء، مواقیت الاحرام، المقام الثانی فی احکامها، ص ۵۴۹.

(مسئله ۴۶) احکامی که برای نماز خواندن مرد و زن با محاذات همدیگر و یا تقدم مرد بر زن در سایر جاها وجود دارد، برای مرد و زنی که در مسجدالحرام نماز می خوانند، وجود ندارد و نماز آنها حکم نماز دو مرد و یا دو زن در سایر جاها را دارد، و موثقه فضیل^۴ دلیل و حجت بر این استثنا می باشد و در این استثنا به حکم اطلاق، فرقی بین نماز طواف و یا نمازهای دیگر از واجب و مستحب نمی باشد.

(س ۴۷) نماز طواف معذورین که در طبقه فوقانی طواف خود را انجام داده اند و برای نماز نمی گذارند با ویلچر وارد صحن مسجدالحرام شوند و نمی توانند بدون ویلچر یا وسیله دیگر در صحن مسجدالحرام نماز خود را بخوانند، چه حکمی دارد؟

ج — به طور کلی آنچه در نماز طواف شرط است، در مسجدالحرام و پشت مقام بودن آن است (یعنی جلوی مقام و یا دو طرف آن و یا در حجر اسماعیل (علیه السلام) نباشد) بنابراین، نماز خواندن در طبقات فوقانی مسجدالحرام در صورتی که پشت مقام باشد، صحیح و مجزی است. (مسئله ۴۸) بنا بر احتیاط، در سعی باید از ابتدای کوه صفا از پایین آن شروع کند و تا اولین جزء کوه مروه ادامه دهد و به همان نحو که متعارف است سعی نماید و لازم نیست به قسمت بالای سراسیمی برود، بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برود و مقداری از آن را جزو سعی قرار دهد، کفایت می کند، و احتیاط و دقت زیاد که پاشنه پای خود را به کوه برساند، نه تنها لازم نیست بلکه ممکن است نامطلوب هم باشد و اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه جایز است، چون سعی بین صفا و مروه که مورد نص و فتوی است صدق می کند.

(س ۴۹) لطفاً بفرمائید سعی در قسمت افزوده شده جدید چه حکمی دارد؟

ج — آنچه در حج و عمره جزء واجبات بلکه جزء ارکانش محسوب شده و از شعائر الله است که در قرآن آمده (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ) سعی بین صفا و مروه یعنی سعی بین آن دو کوه و بین الجبلین می باشد، پس معیار و مناط مسعی، حسب ظواهر ادله و اطلاق آنها از حیث عرض آن دو کوه، شرقاً و غرباً همان وجود کوه و امتداد آن ولو از حیث ریشه کوه و سفائح آن بوده و هست، و به نظر این جانب حسب گزارشهای واصله، از شهادت معمرین که جبلین تا مقداریکه بناست جزء مسعی شود امتداد داشته، و اخبار اهل اطلاع و خبره و کارشناسان به امتداد ریشه ها و رؤیت این جانب در سالهای گذشته نسبت به مروه و اینکه امتداد آن بیش از مقدار عرض مسعی جدید بوده، و از همه گذشته عنایت علماء و فقهاء حرمین بحفظ مشاعر و مناسک حج و رعایت تعبد در آنها و گواهی و شهادت برخی از آنها به اتصال کوه صفا به ابوقییس و اینکه مسعی از طرف کوه مروه از حیث عرض بیش از مقدار توسعه یافته فعلی بوده، همه و همه حجت عقلانی و شرعی بر امتداد می باشد و سعی در مسعی جدید سعی بین الجبلین است و چگونه چنین اموری حجت شرعی نباشد با آنکه بعضی آنها چد رسد به همه آنها موجب اطمینان و علم عادی بر امتداد است. فعلی هذا سعی نمودن در مسعی جدید در تاریخ فعلی یعنی سنه ۱۴۲۸ هجری قمری که در سؤال آمده و مشغول ساختن و تهبه آن می باشند و گفته می شود عرضش بقدر مسعی فعلی یعنی حدود بیست متر است، با قیام حجت شرعی بر بودن آن مقدار اضافه شده بین دو کوه صفا و مروه ولو بین ریشه های باقی مانده از آنها که نشانه امتداد کوهها می باشد موجب اجزاء و صحت و مسقط تکلیف است، و فرقی بین سعی در آن محل و محل فعلی (که مقداری از خود جبلین در آن وجود دارد و باقی مانده) دیده نمی شود چون سعی در آن محل هم با قیام حجت ذکر شده سعی بین الصفا والمروه است و در صدق صفا و مروه وجود بلندی آن دو کوه قطعاً شرط نمی باشد و لذا مقداری از عرض صفای فعلی هم بلندی کوه در آن دیده نمی شود.

(مسئله ۵۰) اگر شخص به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی به عقب برگردد و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی کند، و یا گمان کند در محل هروله، واجب است که هروله کند و لذا برگردد و مقداری را که به صورت عادی طی کرده بود، با هروله تکرار کند به سعی او ضرری نمی زند، چون زیاده عمدیه نمی باشد، لیکن احتیاط در رها کردن آن سعی و از سر گرفتن آن مطلوب است.

(مسئله ۵۱) در عمره مفرده واجب است شخص بعد از آنکه سعی کرد تقصیر کند — یعنی مقداری از ناخنها یا مقداری از موی سر یا شارب یا ریش خود را بزند — و یا سرخود را بتراشد و در تقصیر، کندن مو کافی نیست، و اگر کسی در عمره مفرده تقصیر را فراموش کند و به وطن برگردد و تقصیر را در وطن انجام دهد، کفایت می کند و اعاده طواف نساء لازم نمی باشد، اگرچه احوط است.

(مسئله ۵۲) طواف نساء و نماز آن در عمره مفرده، باید بعد از تقصیر یا تراشیدن سر انجام شود، و تا هنگامی که شخص طواف نساء و نماز آن را به جا نیاورد، زن یا شوهر بر او حلال نمی شود، طواف نساء و نماز آن در کیفیت و واجبات و شرایط و احکام آن، مانند طواف عمره مفرده و نماز آن است.

(مسئله ۵۳) اقامه نماز جماعت در مسجد الحرام و مسجد النبی به حکم تقیه مداراتی مجزی است و باید سعی شود وحدت مسلمین و عظمت نماز جماعت حفظ شود، و در هنگام اقامه نماز مؤمنین از مسجدین خارج نشوند تا سبب انگشت نما گشتن و وهن مذهب نگردد.

(مسئله ۵۴) مسافر در تمام شهر مکه و مدینه محیر بین قصر و اتمام است و این حکم اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد.

(مسئله ۵۵) کسانی که هنگام نماز مغرب در مسجدین هستند جایز است بعد از اتمام نماز جماعت مغرب ولو بلافاصله نماز عشاء را بخوانند، چون آنچه در نماز عشاء معتبر است وقوعش بعد از نماز مغرب صحیح می باشد، و نماز مغرب با جماعت آنها (قطع نظر از مبنای این جانب که مغرب همان غروب آفتاب است) صحیح و مجزی است، چون ترتیب معتبر رعایت شده.

(مسئله ۵۶) اگر کسی در حرم چیزی پیدا کند، برداشتن آن کراهت شدید دارد، لیکن اگر بردارد، در صورتی که ارزش آن کمتر از يك درهم^۵ باشد، می تواند قصد تملك آن را بکند و آن را مصرف کند و ضامن نیست، و اگر از يك درهم بیشتر ارزش داشته باشد، باید يك سال آن را تعریف کند و اگر بعد از يك سال صاحبش را پیدا نکرد، محیر است بین حفظ آن برای صاحبش یا صدقه دادن آن.

(مسئله ۵۷) برداشتن قرآن از مسجدالحرام و مسجدالنبی که وقف آن مساجد است، جایز نیست.

(مسئله ۵۸) برداشتن سنگ از کوه صفا و مروه، هر چند بسیار کم باشد، جایز نیست و حرام است و آن دو کوه را خداوند جزء شعائر قرار داده، پس هرگونه تصرفی در آنها غیر از اعمال عبادی و نشستن و تکیه دادن به آنها که معمول و مرسوم بوده و ضرری هم به آنها نمی زند، حرام می باشد و برداشتن سنگ از تصرفهای حرام است.

(س ۵۹) شخصی برای عمره مفرده ثبت نام کرده، در حالی که اعزام او به عمره قطعی بوده و برای عزیمت نیز به ناچار بایستی مقداری پول به حساب واریز کند، ولی نوبت او به سال بعد موکول شده است، آیا سر سال، به این پول که به حساب سازمان حج و زیارت واریز شده، خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج — چون سفر عمره جزو سفرهای زیارتی است که متعارفاً انجام می گیرد، و نحوه ثبت نام آن واریز پول است، لذا پول واریز شده و همچنین سود آن متعلق خمس نیست.

(س ۶۰) وضو گرفتن از آبهای که مخصوص آشامیدن (در مسجدالحرام و مسجدالنبی) می باشد، چه حکمی دارد؟

ج — از ظرفهایی که داخل مسجد گذاشته اند، جایز نیست و صحیح نمی باشد، و وضو با آنها باطل است.

(س ۶۱) آیا استحباب نماز تحیت مسجد، در مسجدالحرام نیز ثابت است؟

ج — نماز تحیت در مسجدالحرام ثابت نیست، و تحیت مسجدالحرام، همان طور که شهید(قدس سره)فرموده، طواف خانه خدا می باشد.

(س ۶۲) روزه گرفتن حجاج در مدینه منوره در حالی که ده روز در آنجا نمی مانند، چه حکمی دارد؟

ج — مسافر می تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه طیبه روزه بگیرد، اگرچه روزه قضا به گردن او باشد و نمی تواند نیت روزه قضا کند، و بنا بر احتیاط واجب، روزهای چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه، روزه گرفته شود.

(س ۶۳) برخی از زائران حرمین شریفین اظهار می دارند که فلان مبلغ را به ما داده اند تا در حرم مطهر نبوی(صلی الله علیه و آله) یا قبور مطهر ائمه بقیع(علیهم السلام)بریزیم، با توجه به اینکه ریختن وجه در آن محلها غیر ممکن است، یا صرف در حرم، یا در مصرف مقرر خود نخواهد شد و حاضر نیستند این وجوه را با خود برگردانند، آیا می توان آنها را در راه خیر، مثل کمک به فقراى شیعه صرف کرد؟

ج — می توانند به فقراى زائر یا فقراى شیعه که در آنجا هستند، بدهند.

(س ۶۴) گاهی مشاهده می شود که مسجدالحرام را با آب قلیل و یا مواد خاصّ شوینده و پاک کننده تطهیر می کنند، اما طبق موازین شرع نیست.

اگر بدن یا لباس مرطوب با آنها تماس پیدا کند، چه حکمی دارد؟ آیا سجده بر آن سنگها جایز است؟

ج — چون ازاله عین نجاست از امثال سنگ و اجسام صیقیلی از مطهرات است، بنابراین، تطهیر در مثل مسجدالحرام که سنگ فرش است با فرض یقین به نجس شدن آن، با وضع فعلی که با ریختن مختصر مایع، عین نجاست را زائل می نمایند، بعد از آنکه خشک شد و رطوبت مسریه اش از بین رفت، محکوم به طهارت است و پاک می باشد. کما اینکه اگر قبل از ریختن مایع، عین نجاست زائل شده باشد، به محض زوال محکوم به طهارت است.

(مسئله ۶۵) نماز طواف مستحبی حکم بقیه نمازهای مستحبی را ندارد و حتی نشسته هم نمی توان خواند و باید در مسجد خوانده شود.

(مسئله ۶۶) گاهی در مسجدالحرام و مسجدالنبی کفشهای انسان گم می شود ولی در بیرون از مسجد کفشهای فراوان روی هم ریخته می شود که اگر یقین شود که صاحبان آن کفشها راضی و از آنها اعراض کرده اند، برداشتن آنها اشکال ندارد.

(مسئله ۶۷) در مسجدالنبی سجده روی فرشهای مسجد، به حکم تقیه مداراتی مجزی است و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند، و یا حصیر و مانند آن همراه خود ببرند، هر چند همراه داشتن آن و یا سجده بر سنگها، اگر به گونه ای باشد که خلاف متعارف بین مسلمین نباشد و موجب وهن نگردد، مانعی ندارد و جایز است.

(مسئله ۶۸) رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی و توقف در سایر مساجد برای زن مستحاضه در صورتی که غسلهای واجب خود را انجام داده باشد، مانعی ندارد.

(مسئله ۶۹) افرادی که در مکه و مدینه قصد ماندن ده روز را ندارند نمی توانند نوافل نمازهای یومیّه را بخوانند، چون تأخیر در نماز ظهر و عصر و عشاء در اماکن تأخیر، يك حکم اختصاصی نسبت به خود آنهاست نه نسبت به نوافل آنها.

(مسئله ۷۰) بنا بر احتیاط واجب، زن حائض و نفساء نباید در حرم امامان (علیهم السلام) توقف کند، ولی رفتن آنها کنار دیوار بقیع برای زیارت مانعی ندارد.

(س ۷۱) حکم اعمال کسی که بدون اجازه از مرجع زنده، بر تقلید از میت باقی است، چیست؟

ج — اگر مرجع تقلیدی را که بعد از توجه و التفات انتخاب می نماید فتوای او جواز بقاست، اعمال گذشته اش صحیح است، چون اعمالش مطابق با حجت بوده هر چند به آن حجت توجه نداشته.

(س ۷۲) گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت در نماز صبح روز جمعه یا روزهای دیگر، آیات سوره های سجده دار را می خواند و نمازگزاران در

اثناى قرائت — مانند اهل سنت — به سجده می روند و بر می خیزند، در این صورت تکلیف چیست؟

ج — هرگاه نمازگزار آیه سجده را شنید، باید سجده را با اشاره سر، انجام بدهد و بعد از نماز سجده درست انجام دهد و ناگفته نماند که اگر اشتباهاً در نماز با آنها به جای سجده به رکوع برود، قطعاً نمازش باطل است، چون زیاده رکن حاصل شده و زیاده رکن، ولو اشتباهاً، سبب بطلان نماز است.